

جمال شوروچه (فیلمساز)

یدالله صمدی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

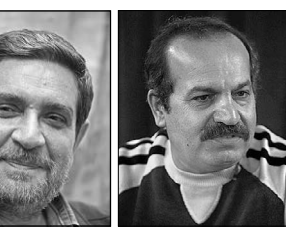
یکی از ویژه برنامه‌های سیما به مناسبت ولادت حضرت زهرا(س) روز مادر، برنامه «دوستت دارم مادر» بود. برنامه‌ای که طی ۲۰ قسمت، از سه هفته قبل هر شب روی آنتن شبکه تهران رفت. مثل بسیاری دیگر از برنامه‌های گروه اجتماعی شبکه پنجم سیما، سیدکاظم احمدزاده اجرای برنامه را برعهده داشت. برنامه‌ای که نشان داد با اندکی خلاقیت و بدون ریخت و پاش و صرف هزینه‌های گزاف، می‌توان توجه مخاطب را جلب کرد و در عین حال جریان‌سازی فرهنگی هم کرد. برنامه‌ای که مسیر شعار تا عمل را در مقابل دوربین، برای مردم طی کرد. برخلاف بسیاری از برنامه‌ها که به محلی برای طرح شعر و شعرهای نیک دربراه مقام مادر تبدیل می‌شود، تداعی‌گر یک خانواده آرمانی و واقعی است. **نظر «احمد زاده» درباره برنامه‌اش**

سید کاظم احمدزاده که علاوه بر اجرای این برنامه، تهیه‌کنندگی آن را هم بر عهده دار معتقد است: ژانر کاری من در تلویزیون اجتماعی است. این بار هم سعی

جشنواره فیلم فجر در سی و سوسمین دوره خود با یک تجربه جدید مواجه شده است؛ این اولین‌بار است که این جشنواره به صورت دو مرحله‌ای در حال برگزاری است. یعنی بخش‌های داخلی و بین‌المللی آن از هم مستقل شده‌اند. بخش داخلی، شامل فیلم‌های ایرانی در موعدهمیشگی برگزار شد و بخش بین‌المللی آن شامل فیلم‌های خارجی و تعدادی فیلم ایرانی نیز در زمان کنونی – از پنجم تا دوازدهم اردیبهشت- در حال برگزاری است.

این که جشنواره فیلم فجر پس از گذشت سی و سه دوره، هنوز هم در مرحله آزمون و خطا و آزمایش در شکل برگزاری قرار دارد، یک ماجراجوی قابل تأمل و صفر بزرگ محسوب می‌شود. به طوری که معلوم نیست این سال آینده هم قرار است جشنواره فجر به همین ترتیب و به صورت دو مرحله‌ای برگزار شود یا نه؟ فخر، تبدیل به همایشی فاگلگیر کننده شده که در هر دوره، شک و شباهیل خاصی پیدا می‌کند و هر سال می‌توان انتظار داشت که یک بخش جدید به آن اضافه یا حذف شود. هرچند، این غافلگیری تنها به نوع برگزاری محدود شده و خبری از غافلگیری در فیلم‌های آن نیست!

آن گذشته‌ها از این مسائل که به آسیب‌شناسی بنیادی جشنواره فیلم فجر مربوط است و نیاز به اثر تقاضای حضور کرده و فرم



رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)



رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

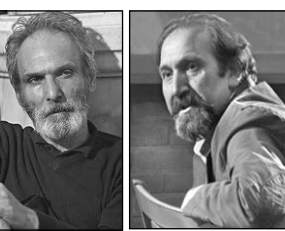
سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)



رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)



رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

**گزارشی درباره برنامه «دوستت دارم مادر»**

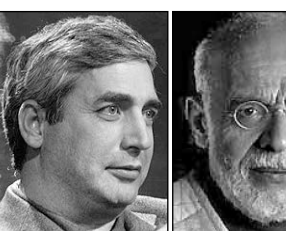
# عاشقانه‌ای برای مادر



لطف خدا به این هدف رسیدیم. احمدزاده درباره انتخاب مهمانان برنامه هم گفت: به هر حال افرادی که چهره هستند و محبوبیت دارند بهتر می‌توانند بر مردم تأثیر بگذارند. وقتی فردی که الگوی جامعه است، در مقابل دوربین خود را در برابر مادرش کوچک می‌کند و دست مادرش

را می‌بوسد، بدون شک مخاطب را به همین رفتار تشویق می‌کند. این مجری دربارۀ غافلگیر شدن مهمانان برنامه با دیدن مادر خود هم تأکید کرد که این غافل‌گیری صد در صد واقعی است و شاید یکی از واقعی‌ترین اتفاقات دوربین خود را در برابر مادرش کوچک می‌کند و دست مادرش

دوستت دارم» هم اظهار داشت: این برنامه با استقبال خوبی در جامعه مواجه شده و اغلب وقتی ما را می‌بینند متقاضی ادامه تولید و پخش برنامه هستند. احمد زاده با این حال گفت که قصد ادامه تولید و پخش برنامه را ندارند. او در این باره گفت: به نظر من هر ادامه دانی خوب نیست و در



رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)



رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

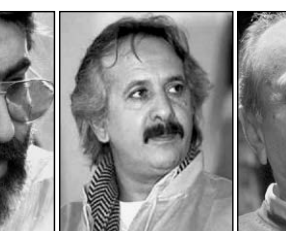
سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)



رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

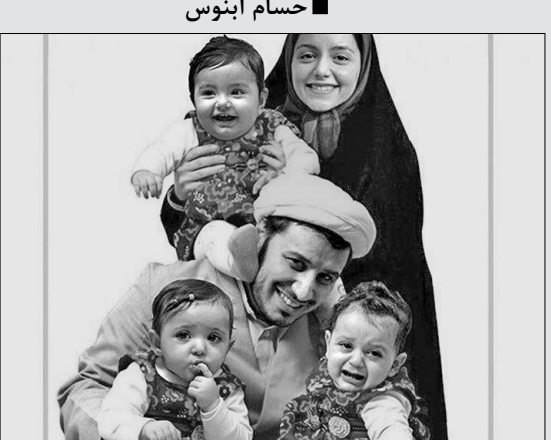
شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)



به بهانه پخش «فرشته‌ها با هم می آیند» از سیما

## منزوی سازی طلب پروژۀ حسام آبنوس



«فرشته‌ها با هم می‌آیند» که کارگردانی حامد محمدی، داستان طلبه جوانی به نام احمد (با بازی جواد عزتی) است که روزها مشغول تحصیل دروس دینی است و بعد از ظهرها در ساختمان‌های تازه ساز، سیمکشی برق انجام می‌دهد تا مخارج زندگی‌اش را تأمین کند. اما وقتی خردباد می‌شود که همسرش سه قلو باردار است، زندگی‌اش وارد چالش‌های تازه‌ای می‌شود و ... این فیلم، از دقیقه ۱۳ به بعد و از آنجایی که احمد خیر سه قلو بودن فرزندانش را می‌شود، دیگر حرف تازه‌ای نمی‌زند و دور خودش می‌چرخد.

فیلم فاقد طرح کلی داستان است و تنها محملی برای بیان برخی سخنان شعارگونه است که بعضی نیز چندان خوب از آب در نیامده است. در پایان می‌شاهدیم که مخاطب به صورت مستقیم و از زبان استاد اخلاق حوزه علمیه – که دیگر کلیشه و تکراری شده – می‌شوند که صبر، امری پسندیده و ممدوح است و این یعنی سازنده اثر احساس نکرده که این پیام در اثرش وجود دارد و لازم دیده آن را به بیننده گوشزد کند.اما عزیزان این مسئله، کارگردان اثر کمی هم با زبان کنایه برخی مسائل کلان اجتماعی کشور را زیر سوال برده و به چالش کشیده است. وقتی حاج احمد در سالن انتظار بیمارستان نشست، زنی که کلافه و در حال شکایت است با اشاره دست به سوی وی می‌گوید: «پرویز می‌گفتن به بچه کافیه، دیروز می‌گن برای هر بچه یک میلیون تومان می‌دن (کودندان که؟) و امروز هم می‌تالوبی بزرگ زدن می‌کن بچه بیشتر زندگی قشنگتر. من نمی‌دونم زندگی برای اینی خرج ندراره که هر روز برای مرده به نسخه می‌نویسن؟» به نظر این مسئله زیر سوال بردن سیاست افزایش جمعیتی مد نظر نظام است که کارگردان اثر آن را به صراحت مطرح کرده است. درحالی که از سینما انتظار می‌رود در خدمت فرهنگ‌سازی باشد، در این فیلم می‌بینیم که این ندغه بزرگ جامعه که رهبری نیز بارها به آن تأکید داشته‌اند را با زبان کنایه زیر سوال برده و روحانی مهربان و دل‌رحم «فرشته‌ها با هم می‌آیند» نیز سکوت می‌کند. روحانی به نمایش در آمده در فیلم نیز با روحانی فعال و بویا که این روزها نیز نمونه‌های آن کم نیستند در تضاد است. یعنی روحانی آرمانی از نگاه این فیلم، فقط کارکرد رسیدگی به امور احکام فردی دارد و در احکام اجتماعی ورود پیدا نمی‌کند. این نکته با بازی رضا برجی مشهود است که بی در پی از روحانی فیلم استخاره می‌خواهد (که منجر به این می‌شود که روحانی جوان شکایت کند) و در عمل عبادی که به وی آموزش می‌دهد کاری که پسند خودش است را انجام می‌دهد.

وی مجبور است برای تأمین معاش خود بیشتر کار کند تا امورات خود را بگذراند. ولی این طور نشان داده نمی‌شود که وی با مشکل مالی بزرگی روبرو است. تصادفاً و به صورت باسه‌امی طلبه جوان با پیشنهاد بازی در یک فیلم روبرو می‌شود. امری غیرواقعی، آن‌ججا که این اتفاق در عالم واقع نسبتا بعید و دور از ذهن است و تنها به خاطر برخی دلایل بی‌اهمیت به وی پیشنهاده می‌شود در نقش یک روحانی در یک فیلم حاضر شود. امری که دور از ذهن است که در شان روحانیت باشد و این قشر هرقدر هم در مشکلات مالی روبرو باشد (که در فیلم مذکور داده نمی‌شود) حاضر نیستند به این نحو از لباس خود کسب در آمد کنند. وی حتی نشان نمی‌دهد که پول حاصل از بازی در فیلم را خرج چه مشکل بزرگی کرده است!

حاج احمد بعد از اینکه عکسش روی جلد مجله‌ها همراه با چند خانم رخ می‌شود مورد شامت همسرش قرار می‌گیرد. شامتی که روحانی فیلم با آن روبرو می‌شود طبیعی است، در صورتی که کارگردان می‌خواهد نشان دهد امری غیرطبیعی است. حتی برای اثبات این حرف به روایتی از رسول اکرم (ص) تمسک جسته تا پایه‌های دینی حرف خود را در صحتی کند. یعنی برای کسب روزی خانواده انسان باید تلاش کند و این تلاش در حکم جهاد در راه خدا است. در صورتی که از سوی بزرگان تأکید شده که فرد باید شان انسانی خود را در کسب، رعایت کند و دست به هر کاری نزند و متناسب با روحیه خود شغل انتخاب کند. اما «فرشته‌ها با هم می‌آیند» این مسئله نیز به نحو دیگری بیان شده و ذهن تماشاچی را از مسئله منحرف کرده است.

اگر بخواهیم در ارتباط با این فیلم سخن بگوییم، در کنار اینکه شاید خالی از نکته مثبت نباشد اما نکات منفی آن بیشتر به چشم می‌آید. این فیلم بر خلاف تصور و ادعای برخی که فکر می‌کنند «فرشته‌ها با هم می‌آیند» در خدمت روحانیت بوده و به منظور اصلاح چهره این قشر تولید شده، اما باید گفت، نه تنها اصلاحی صورت نمی‌پذیرد بلکه چهره این قشر از جامعه را مخدوش نیز کرده است. این فیلم که قرار بود به سیاستهای فرزندانوری در جامعه کمک و مردم را به فرزند بیشتر تشویق و ترغیب کند به نوعی آن را تخریب می‌کند و نشان می‌دهد که بچه چیزی جز درد سر برای خانواده ندارد. (این مسئله در دیدگاههای فیلم نیز دیده می‌شود) همچنین فضائل اخلاقی که معمولا همه آن در جامعه روحانیت جستجو می‌کنند در «فرشته‌ها با هم می‌آیند» دیده نمی‌شود و حتی باز از این منظر نیز روحانیت بویا را هدف قرار داده است.

شده و بعد در بازگزی، رفق متوجه بی‌ریشه بودن شخصیت‌ها شده‌اند. از این رو در پی یافتن تمهیدی برای توجیه این بی‌شناسانگی و پادروایی، به گروه مجازی بی‌بدر مادرها» و «مادر رفته‌ها» یا هر چیز مشابه آن رسیده‌اند! واقعا شگفت‌آور است که فیلمنامه چنین فیلمی را امتیاز برحسنت آن می‌شمردند. در بهترین حالت می‌توان گفت به قدری سینمایی این سال‌های ما در فقر قسه‌گویی دست و پا زده که هر فیلمی که اندکی پایبندی‌اش را به متولیان سینما را به شوق می‌آورد. و گرنه، این فیلمنامه، به صرف تحمیل جا به جای عنصر «غافلگیری و تخریب در فری در کت نیست!

همه دوره‌هایش نمایش‌دهنده آثار قابل توجهی هم بوده، اما در هیچ‌یک از دوره‌های خودش نتوانسته به عنوان یک کارزار موثر بر سینمای جهان عمل کند. به

این معنی که نمی‌توان هیچ موج و حتی بازتابی را در سینمای دنیا شناسایی کرد که تحت تأثیر جشنواره فجر پدید آمده باشد. جشنواره فیلم فجر در عرصه بین‌المللی خودش، برخلاف جشنواره‌های جهانی مذکور، منفعل و فاقد راهبردی تهاجمی است. این وضعیت ناخوشایند در شرایطی به وجود آمده که جایگاه منحصر به فرد کشور ایران در عرصه بین‌المللی قابلیت و استعداد بالقوه و ویژه‌ای را پیش روی جشنواره‌های ما برای آسکار باشد. جشنواره فیلم فجر می‌تواند و باید با شاخص سازی و فریاد بر آوردن علیه سینمای زرسالار و زورگویی حاکم و مسلط بر جهان، فیلمسازان مستقل جهان را مجذوب خود کند.

جشنواره‌های جهانی مذکور، منفعل و فاقد راهبردی تهاجمی است. این وضعیت ناخوشایند در شرایطی به وجود آمده که جایگاه منحصر به فرد کشور ایران در عرصه بین‌المللی قابلیت و استعداد بالقوه و ویژه‌ای را پیش روی جشنواره فجر قرار داده است. قابلیت این که منادی سینمایی متفاوت و مخالف با سران هالیوود و آسکار باشد. جشنواره فیلم فجر در عرصه بین‌المللی خودش، برخلاف جشنواره‌های جهانی مذکور، منفعل و فاقد راهبردی تهاجمی است. این وضعیت ناخوشایند در شرایطی به وجود آمده که جایگاه منحصر به فرد کشور ایران در عرصه بین‌المللی قابلیت و استعداد بالقوه و ویژه‌ای را پیش روی جشنواره فجر قرار داده است. قابلیت این که منادی سینمایی متفاوت و مخالف با سران هالیوود و آسکار باشد. جشنواره فیلم فجر در عرصه بین‌المللی خودش، برخلاف جشنواره‌های جهانی مذکور، منفعل و فاقد راهبردی تهاجمی است. این وضعیت ناخوشایند در شرایطی به وجود آمده که جایگاه منحصر به فرد کشور ایران در عرصه بین‌المللی قابلیت و استعداد بالقوه و ویژه‌ای را پیش روی جشنواره فجر قرار داده است. قابلیت این که منادی سینمایی متفاوت و مخالف با سران هالیوود و آسکار باشد. جشنواره فیلم فجر در عرصه بین‌المللی خودش، برخلاف

که در جشنواره‌های وابسته به دولت‌های غربی تحویل گرفته شده‌اند دارای این نوع نگاه بودند. این گونه جشنواره‌ها برای اهداف ضدانحصارلی خود خیلی خوب کار می‌کنند، اما متأسفانه جشنواره‌ها ما برای آرمان‌های والای انسانی و الهی خود کم کارند که در چنین جشنواره‌هایی جایزه گرفتارند نشان می‌دهد که به جز به شاهرط رسیده‌اند. دلیل این که جایزه‌های آسکار، بفتا و گلدن

سینمای داستاگو و مبتنی بر «روایت» یک گفتمان است و این تنها چیزی است که آن را در مقابل جهان واقعی می‌گذارد، نه دروغ بودن یا هر چیز دیگر. تنها مسئله این است که گفتمان را کسی باید ادا کند (جهان فیلمیکی) در حالی جهان بیرون از گفتمان را کسی نمی‌گوید.

حالا دیگر قیاس بیهوده‌ای است اما، تجربه ساختاری «ماهی و گریبه» و برخی آثار مشابه، می‌توانست برای خنثی‌شدن به گرامر و ارتباطهای فیلم داودی الهام‌بخش باشد. لاقال فیلم از ادا و اصول تفکیک بازی شخصیت‌ها» یا به درستی فاصله می‌گرفت یا از آن محقق به هم می‌پرد. «رخ دیوانه» می‌توانست به بهره‌گیری از رفت و برگشت‌های تفکیک‌شده‌ای که خودش پیش‌بینی کرده، با

بکشند. البته آن‌ها می‌توانستند به طریزی هوشمندانه ساختار تعریف کرده را به سمتی ببرند که افشای تخریبی و اقصیت در «رویدادهای موازی»، (با یا استفاده از جداسازی نمانها) و «گشایش حلزونی» نمانها و بنا داشته‌اند، به فیلم چاشنی اسرارآمیز بودن اضافه کند. اما واقعا حرف بی‌حسابی است که در توجیه ناکارآمدی تمهیدات روایی فیلم «همه سینما چیزی جز دروغ نیست»، چرا که نه فقط در سینما، بلکه در سایر مدهیوها، (البته در سینما، بسیار بیشتر از رمان، راستی چرا فیلم اصرار دارد یک نمایشنامه و با نقاشی) ما با چیزی به نام «جهان متن» روبرویم که لازم است «واقعیتی خلاقه و بکر» را به جهان پیرامون ما بیافزاید و گرنه کوششی کسالت‌بار و از هرگونه ذوق و اعتبار هنری، تهنی ست. در حقیقت،

نگاهی به فیلم «رخ دیوانه»

## «ناراستی»؛ به عنوان «آنتی تز افشای تدریجی»

■ **شهاب شهرزاد**



تعریف می‌کند و آخر سر هم با بی‌مزگی سرهم‌بندی‌شده‌ای اعتراف می‌کند که: «دروغ گفتم؟ از نگاه سازندگان فیلم، هدف وسیله را توجیه می‌کند. پس اهمیتی نداشته که از چه طریقی به «آتراکسیون» خود جاذبه بیخشند. به بیان دیگر، فیلم به جای تکنیک‌های روایی، از «ناراستی» به عنوان «آنتی‌تز افشای تدریجی» و «پسچده‌کننده» و رضایت ناشی از کشف و در ادامه اهمیتی به نداشته که اخلاق را و حتی زیبایی‌شناسی ساختار روایت را رعایت کند، به واقعیت تصویر وفادار بماند و به اعتماد تماشاگر

در فیلم، نظام «توزیع اطلاعات سینما، می‌تواند (اطلاعات ندان به تماشاگر» به جای «افشای تدریجی» برای کنان شدن به فیلم، سابقه و رواج قابل توجهی پیدا کرده. یعنی که در دان اطلاعات مربوط به روابط و وقایع و شخصیت‌ها به تماشاگر اسماک می‌وزیزیم تا تماشاگر را نشان خودش بکشیم و در این طریق، زیادروی می‌کنیم. این زیادروی و کندی اطلاعات دادن به تماشاگر، از مبتذل‌ترین انواع داستان‌سازی است و روایت دراماتیک است. به گزاره دیگر، بر خلاف «افشای تدریجی» که ابزاری در خدمت داستان است،

راوی قصه در فیلم «رخ دیوانه»، ماهیت روایت را نقض می‌کند؛ یعنی به جای آن که رویدادها را روایت کند، به نقض غرض می‌رسد و ضد روایت رفتار می‌کند. راوی، دروغ‌گوست. و به اقتضا، این سازنده فیلم است که دارد با «ناراستی» و کسیر هم کردن دروغ، تماشاگرش را به ادامه تماشا ترغیب می‌کند. یعنی که فیلم، بر پایه «دروغ‌پردازی» در روایت داستانش، پیش می‌رود و به تیرامی از دایره داستان‌گویی شریف می‌آید. سازندگان واقعیت‌های تصویری دیدگاهی که فیلمنامه «رخ دیوانه» را «هرگز برنده» آن می‌داند، در واقع، مهم‌ترین سنگ‌انگلی و آسوده‌خواهی در همین جاست که اتفاق می‌افتد. فیلمنامه «رخ دیوانه»، از پایه لنگ است. دارد با شهیده و نیزنگ، مخاطبیش را به دنبال می‌کشد. فیلم، می‌توانست با تکیه بر ساختار چند پرده‌ای (بازی‌های هشتگانه)، در ادامه با تغییر زاویه یا حرکت دوربین، محدوده «حوزه دید»، تغییر و توسعه پیدا می‌کند و «وضعیت واقعی» را افشا می‌کند. اما در این جایی که اشتباه انشایی فاحش، باعث شده فیلم، با خیانت به اعتماد تماشاگر، یعنی ندان را با حقارتی تضمین کند، جانی‌جانبه‌ای که می‌توانست از رهگذر پیچ و خم‌های داستانش‌اش فراهم کند، حرام کرده و به اصطلاح مخاطبیش را سر کار می‌گذارد. راوی داستان – به صورت «فیرمنتظره بودن» و به استناد خود فیلم و روند گرگ‌گشایی و پایان‌بندی‌اش، اطلاعاتی دارد که در زمان وقوع هر ماجرا، آن را وارونه